

Original Article

Structural Equation Model of Couples' Tendency to Divorce Based on Attachment Styles and Childhood Trauma Mediated by Perfectionism

Nasrin Najafi, Azita Chehri*, Karim Afsharineya, Mokhtar Arefi, Hassan Amiri

Department of Psychology, Ker. C., Islamic Azad University, Kermanshah, Iran

* *Corresponding author.* Tel: +989188309946, E-mail: azita.chehri@iau.ac.ir

Article info

Article history:

Received: May 09, 2025

Accepted: Dec 14, 2025

Keywords:

Childhood Trauma

Attachment Style

Perfectionism

Divorce

ABSTRACT

Background: Childhood traumas and attachment styles are among the factors influencing couples' propensity towards divorce. The present study aimed to investigate the structural equation model of the tendency to divorce based on attachment styles and childhood trauma mediated by perfectionism.

Methods: This study was a descriptive-correlational and structural equation modeling study. The study population consisted of all couples seeking divorce in Kermanshah city, from which 400 people (200 couples) who had been referred to counseling centers in this city in the first half of 2024 were selected using a random cluster sampling method. Data was collected using the Collins and Read attachment style (1990), Ghaderzadeh et al.'s tendency to divorce (2013), Hill et al.'s perfectionism inventory (2004), and Bernstein et al.'s childhood trauma (2003) questionnaires. Data analysis was performed using structural equation modeling using SPSS-28 and SmartPLS3 software.

Results: The results showed that there is a direct and significant relationship between attachment styles, childhood trauma, and perfectionism with the tendency to divorce ($p \leq 0.01$). Furthermore, perfectionism has a mediating role between childhood traumas and attachment styles with the tendency to divorce ($p \leq 0.01$).

Conclusion: It can be said that insecure attachment styles and childhood traumas increase the tendency towards divorce, and negative perfectionism intensifies this relationship. Therefore, all psychotherapists are advised to encourage couples to use problem-solving strategies instead of running away from problems by improving a realistic attitude instead of negative perfectionism, so that we can witness a reduction in social harms in the country.

How to cite this article: Najafi N, Chehri A, Afsharineya K, Arefi M, Amiri H. Structural Equation Model of Couples' Tendency to Divorce Based on Attachment Styles and Childhood Trauma Mediated by Perfectionism. Journal of Health & Care. 2025;27(3):269-282.



Copyright © 2024 by Authors. Published by Ardabil University of Medical Sciences.

This work is licensed under a [Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License](https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/).

Journal web address: [https:// hcjournal.arums.ac.ir/](https://hcjournal.arums.ac.ir/)

الگوی معادلات ساختاری گرایش به طلاق زوجین بر اساس سبک‌های دلبستگی و ترومای دوران کودکی با میانجیگری کمال گرایی

نسرین نجفی، آرزیتا چهری*، کریم افشاری نیا، مختار عارفی، حسن امیری

گروه روانشناسی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران
* نویسنده مسئول. تلفن: ۰۹۱۸۸۳۰۹۹۴۶ ایمیل: azita.chehri@iau.ac.ir

چکیده

زمینه و هدف: تروماهای دوران کودکی و سبک‌های دلبستگی از عوامل موثر در گرایش زوجین به طلاق می‌باشند. پژوهش حاضر با هدف تعیین الگوی معادلات ساختاری گرایش به طلاق با سبک‌های دلبستگی و ترومای دوران کودکی با میانجیگری کمال گرایی انجام شد.

روش کار: این مطالعه از نوع توصیفی-همبستگی و مدل‌سازی معادلات ساختاری بود. از بین زوجین متقاضی طلاق مراجعه کننده به مراکز مشاوره شهرستان کرمانشاه در نیمه اول سال ۱۴۰۳، تعداد ۴۰۰ نفر (۲۰۰ زوج) به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شدند. ابزارهای پژوهش شامل پرسشنامه‌های سبک دلبستگی کولینز و رید (۱۹۹۰)، گرایش به طلاق قادرزاده و همکاران (۱۳۹۲)، کمال گرایی هیل و همکاران (۲۰۰۴) و ترومای دوران کودکی برنشتاین و همکاران (۲۰۰۳) بود. تجزیه و تحلیل داده‌ها با روش مدل‌سازی معادلات ساختاری با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS-28 و SMARTPLS-3 انجام شد.

یافته‌ها: بین سبک‌های دلبستگی، ترومای کودکی و کمال گرایی با گرایش به طلاق در زوجین، ارتباط مستقیم و معناداری دیده شد ($p \leq 0/01$). علاوه، کمال گرایی نقش میانجی را در میان تروماهای کودکی و سبک‌های دلبستگی با گرایش به طلاق بر عهده داشت ($p \leq 0/01$).

نتیجه‌گیری: می‌توان گفت که سبک‌های دلبستگی ناایمن و تروماهای کودکی موجب افزایش گرایش به طلاق در زوجین می‌شود و کمال‌گرایی منفی این ارتباط را تشدید می‌کند. لذا، به کلیه روان‌درمانگران توصیه می‌شود که با بهبود نگرش واقع‌بینانه به جای کمال گرایی منفی، زوجین را به استفاده از راهبردهای حل مسئله به جای فرار از مشکلات، تشویق کنند تا شاهد کاهش آسیب‌های اجتماعی در کشور باشیم.

واژه‌های کلیدی: ترومای کودکی، سبک دلبستگی، کمال گرایی، طلاق

پذیرش: ۱۴۰۴/۶/۲۳

دریافت: ۱۴۰۴/۲/۱۹

مقدمه

جامعه دارد (۱). مقایسه شاخص نسبت ازدواج به طلاق در ایران نشان می‌دهد که این نسبت از ۱ مورد در هر ۱۰ ازدواج در سال ۱۳۸۳ به ۱ مورد در هر ۳ ازدواج در سال ۱۴۰۰ رسیده است (۲). در بررسی

طلاق، مهم‌ترین عامل فروپاشی خانواده‌ها است. اگرچه طلاق به خودی خود مسئله ناهنجاری تلقی نمی‌شود اما گاه آثار جبران‌ناپذیری بر خانواده و

علل طلاق علاوه بر عوامل اجتماعی و اقتصادی، توجه به علل فردی، فرهنگی و روانشناختی که منجر به تولید میل به طلاق در زوجین می‌شود، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. منظور از میل به طلاق، میزان تمایل و علاقه‌مندی زوجین به جدا شدن و گسستن روابط زناشویی طی مراحل قانونی است (۳). این مفهوم دارای سه بعد شناختی، عاطفی و رفتاری است که بعد شناختی، تصورات فرد در مورد طلاق را شامل می‌شود. بعد عاطفی شامل احساسات و عواطف مثبت و منفی فرد نسبت به طلاق است و بعد رفتاری، تمایل به انجام عملی در زمینه طلاق می‌باشد. در این بین یکی از عواملی که می‌تواند زمینه نارضایتی زناشویی و گرایش زوجین به طلاق را ایجاد کند، سبک‌های دلبستگی است (۴).

سبک‌های دلبستگی زوجین در بزرگسالی، از عوامل مهم رضایت زناشویی محسوب می‌شود (۵). بر اساس نظریه دلبستگی، پیوندهای عاطفی که در بدو تولد بین کودک و مادر (مراقب) در قالب مدل‌های ذهنی، درون‌سازی می‌شوند به روابط کودک در آینده، تعمیم یافته و این الگو در طول زندگی فرد نسبتاً پایدار می‌ماند (۶). سبک‌های دلبستگی تعیین می‌کند که چگونه افراد در هنگام ناراحتی، تایید و حمایت همسر خود را به دست بیاورند (۷). زوج‌هایی که سبک دلبستگی ناایمن دارند، امتیاز بالایی در مولفه‌های اجتناب و اضطراب دارند (۸). دلبستگی اجتنابی و اضطرابی با برآورده نشدن نیازهای دلبستگی همراه بوده و نشان‌دهنده عدم آرامش در روابط عاطفی می‌باشد (۹). افرادی که سطوح بالاتری از سبک‌های دلبستگی اضطرابی و اجتنابی را نشان می‌دهند، افکار، احساسات و رفتارهای ارتباطی ناکارآمدی دارند که آنها را از روابط عاشقانه زناشویی دلسرد کرده و موجب تشدید تضادهای عاطفی در رابطه می‌شود (۱۰). یکی از عواملی که در تعیین سبک دلبستگی فرد نقش مهمی ایفا می‌کند، تجربه‌ها و تروماهایی است که در کودکی و نوجوانی تجربه می‌شود (۱۱).

از جمله مهم‌ترین آسیب‌های دوران کودکی می‌توان به سوءاستفاده جسمی، روانی و هیجانی اشاره کرد که موجب نقص در رابطه دلبستگی ایمن میان مراقبت‌کننده و کودک می‌شود. این تجارب منفی سبب اختلالات روانشناختی در کودک شده و مانع از توسعه بهنجار ابعاد اساسی شخصیت مانند احساس خودکارآمدی، خودکفایی و تنظیم هیجان می‌شود (۱۲). ارتباط میان انواع مختلف تروماها و بدرفتاری‌های دوران کودکی با بسیاری از آسیب‌های اجتماعی و روانشناختی مانند بزهکاری، خشونت، افسردگی، افکار خودکشی و مشکلات شخصیتی در سال‌های بعد زندگی نشان داده شده است (۱۳). در کنار این آسیب‌ها، مطالعات اندکی نیز نشان داده‌اند که آسیب‌های دوران کودکی با سبک‌های دلبستگی ناایمن ارتباط قوی داشته و این بر روابط اجتماعی و عاطفی فرد در آینده تاثیر قابل‌توجهی دارد و به نوعی این الگو به دوره‌های بعدی زندگی تعمیم داده می‌شود (۱۴). مطالعات نشان داده‌اند افرادی که در دوره کودکی، تروماهای شدیدی تجربه کرده‌اند به احتمال بیشتری در روابط عاطفی با مشکل مواجه هستند، شانس روابط فرازناشویی در آنها بیشتر است و همچنین صمیمیت، رضایت جنسی و رضایت زناشویی در آنها نسبت به افرادی که دوره کودکی کمتر آسیب‌زایی داشته‌اند، پایین‌تر است (۱۵). مجموعه این عوامل سبب می‌شود که این افراد با مشکلات بیشتری در ازدواج، روبرو شوند. بنابراین این افراد، گاه به دلیل تجارب بد، تمایل به پاک کردن گذشته یا جبران تجارب منفی قبلی خود را داشته و با تعیین ملاک‌ها و استانداردهای بالای شخصیتی و اجتماعی، زمینه کمال‌گرایی را در خود رشد می‌دهند (۱۶).

کمال‌گرایی عبارت است از وضع استانداردهای غیرمنطقی و سطح بالا به طرز وسواس گونه به سوی اهدافی که کمتر قابل دستیابی هستند (۱۷). در یک تقسیم‌بندی، کمال‌گرایی به دو بخش مثبت یا سازگارانه و منفی یا ناسازگارانه تقسیم شده است.

افرادی که کمال‌گرایی مثبت دارند برای رسیدن به اهداف خود تلاش می‌کنند و می‌دانند رسیدن به موفقیت، مستلزم تلاش و صرف وقت زیادی است. اما افرادی که کمال‌گرایی منفی دارند همواره برای برتری تلاش می‌کنند و از شکست خوردن گریزان هستند، زیرا شکست خوردن برای آنها به معنای کوچک و حقیر شدن در برابر دیگران است (۱۸). مطالعات نشان می‌دهد که جنبه مثبت کمال‌گرایی، احساسات مثبت را افزایش و استرس‌های روانی را کاهش می‌دهد. در مقابل کمال‌گرایی منفی، با عواطف منفی، استرس و فشار روانی بیشتری همراه است (۱۹). همچنین، میان کمال‌گرایی مثبت و رضایت زناشویی، همبستگی مثبت و میان کمال‌گرایی منفی با رضایت زناشویی، همبستگی منفی دیده شده است (۲۰). در واقع افراد دارای کمال‌گرایی مثبت، بیشتر بر خود تمرکز می‌کنند و سعی در بهبود شخصیت و استانداردهای خود دارند. در حالی که افراد دارای ویژگی منفی، بیشتر بر دیگران و جامعه تمرکز داشته و سطح انتظارات آنها از دیگران بالا می‌باشد. این افراد ثبات عاطفی کمتری دارند و در روابط عاطفی، رفتارهای غیرحمایتی بیشتری از خود نشان می‌دهند (۲۱). با این حال به طور کلی کمال‌گرایی به عنوان متغیری که با رضایت زناشویی و رضایت جنسی پایین ارتباط دارد شناخته می‌شود که این می‌تواند احتمال گرایش به طلاق در زوجین را افزایش دهد (۲۲).

با توجه به اینکه آمار طلاق و گرایش به طلاق طی سال‌های گذشته در کشور، روند صعودی شدیدی را از خود نشان داده و آسیب‌های مرتبط با طلاق نه تنها زوجین بلکه خانواده‌ها و فرزندان را نیز درگیر می‌کند، بنابراین بررسی عواملی که منجر به افزایش تمایل به طلاق در زوجین می‌شود، ضروری است. مطالعات متعددی پیرامون علل طلاق صورت گرفته است اما تعداد مطالعاتی که به بررسی مستقیم طلاق براساس رویدادهای گذشته انجام شده باشد، محدود است. از جمله این متغیرهای روانشناختی می‌توان به

سبک‌های دلبستگی و تروماهای دوران کودکی اشاره کرد. همچنین ارتباط میان گرایش به طلاق و کمال‌گرایی در هیچ مطالعه‌ای به صورت مستقیم مورد بررسی قرار نگرفته است. لذا، این مطالعه با هدف تعیین الگوی معادلات ساختاری گرایش به طلاق زوجین براساس سبک‌های دلبستگی و ترومای دوران کودکی با میانجی‌گری کمال‌گرایی انجام شد.

روش کار

پژوهش حاضر از نوع توصیفی-همبستگی با کاربرد مدل معادلات ساختاری بود که با مشارکت تعداد ۴۰۰ نفر (۲۰۰ زوج) از زوجین متقاضی طلاق مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره شهر کرمانشاه در نیمه اول سال ۱۴۰۳ انجام شد. بر اساس نظر دلاور (۱۴۰۲)، حداقل حجم نمونه برای مطالعات ساختاری، ۲۰۰ نفر است و تعداد ۳۰۰ نفر به بالا به عنوان تعداد نمونه خیلی خوب در نظر گرفته می‌شود (۲۳) که در این مطالعه جهت اطمینان از نتایج و کاهش خطا، تعداد نمونه ۴۰۰ نفری با احتساب ریزش ده درصد، در نظر گرفته شد. ملاک‌های ورود به مطالعه شامل متقاضی طلاق بودن، مراجعه به کلینیک‌های مشاوره طلاق، سکونت در استان کرمانشاه، حداقل سواد سیکل، عدم ابتلا به اختلال روانپزشکی منجر به بستری (سایکوتیک) و رضایت آگاهانه جهت شرکت در مطالعه بود. همچنین پاسخدهی مخدوش یا ناقص به سوالات پرسشنامه‌ها و انصراف از ادامه همکاری در هر مرحله از پژوهش، از جمله ملاک‌های اصلی خروج از مطالعه در نظر گرفته شدند.

جهت انتخاب نمونه‌ها از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای استفاده شد. برای این منظور، بر اساس تقسیم‌بندی مناطق هشت گانه شهرداری کرمانشاه، فهرستی از مراکز مشاوره همکار با بهزیستی تهیه گردید. این مراکز به هشت خوشه منطقه‌ای تقسیم و از هر خوشه، یک مرکز مشاوره انتخاب گردید. بدین ترتیب،

نمونه گیری در هشت مرکز مشاوره شهر کرمانشاه که به صورت تصادفی انتخاب شدند، انجام گرفت. جهت انجام کار پس از اخذ مجوزهای لازم از دانشگاه، با مراجعه به مراکز مشاوره طلاق و هماهنگی‌های لازم با مسئولان مراکز، اهداف پژوهش، مزایا و اصول اخلاقی پژوهش برای افراد واجد شرایط تبیین شد. جهت افزایش مشارکت و دریافت پاسخ‌های صادقانه‌تر و کاهش اضطراب آزمودنی‌ها، به آنها اطمینان خاطر داده شد که کلیه اصول اخلاقی در پژوهش از جمله رازداری و عدم افشاء اسامی، رعایت خواهد شد و هیچ کدام از مسئولان مراکز مشاوره و بهزیستی به پاسخ‌های آنها دسترسی نخواهند داشت. پس از آن به تمامی واجدین شرایط که تمایل به شرکت در مطالعه داشتند، پرسشنامه‌های پژوهش ارائه شد.

جمع‌آوری داده‌ها به دو روش حضوری و آنلاین انجام گرفت. در روش حضوری، پس از هماهنگی با مدیران مراکز منتخب، پژوهشگر به محل مراجعه نموده و پرسشنامه‌های استاندارد را پس از مصاحبه و با اخذ رضایت آگاهانه شرکت‌کنندگان تکمیل می‌نمود. در روش آنلاین، پرسشنامه‌های الکترونیکی با استفاده از نرم افزار Google Forms طراحی و لینک آن برای تعدادی از مراجعین که تمایل به همکاری داشتند، ارسال گردید. هر دو نسخه حضوری و آنلاین پرسشنامه، یکسان بوده و با دستورالعمل‌های یکسانی تکمیل شدند. تمامی داده‌های جمع‌آوری شده، اعم از حضوری و الکترونیکی، با دقت بررسی شدند تا از کامل بودن تمام بخش‌ها اطمینان حاصل شود. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه‌های زیر استفاده شد:

پرسشنامه سبک‌های دلبستگی: این پرسشنامه توسط کولینز و رید^۱ (۱۹۹۰) ساخته شد. این مقیاس شامل خودارزیابی از مهارت‌های ایجاد روابط و خودتوصیفی شیوه شکل‌دهی روابط دلبستگی نسبت به چهره‌های

دلبستگی نزدیک است و مشتمل بر ۱۸ ماده می‌باشد که از طریق علامت‌گذاری روی یک مقیاس ۵ درجه‌ای (از نوع لیکرت) که از «به هیچ وجه با خصوصیت من تطابق ندارد» (نمره ۰) تا «کاملاً با خصوصیات من تطابق دارد» (نمره ۴)، سنجیده می‌شود. این پرسشنامه دارای ۳ زیرمقیاس است که شامل دلبستگی اضطرابی (A) که با سبک دلبستگی دوسوگرا مطابقت دارد، سبک نزدیک بودن (C) که با دلبستگی ایمن مطابقت دارد و سبک دلبستگی (D) که تقریباً عکس دلبستگی اجتنابی است، می‌باشد. حداقل نمره در هر زیرمقیاس، ۰ و حداکثر ۲۴ می‌باشد. کولینز و رید (۱۹۹۰)، ضریب آلفای کرونباخ را برای تمامی زیرمقیاس‌ها، بالای ۰/۸۰ گزارش کردند (۲۴). در مطالعه امان علی خانی و همکاران (۱۴۰۲)، ضریب آلفای کرونباخ برای سبک‌های دلبستگی دوسوگرا، ایمن و اجتنابی به ترتیب ۰/۸۸، ۰/۷۶ و ۰/۸۹ گزارش شد (۲۵). در پژوهش حاضر نیز، میزان آلفای کرونباخ کل پرسشنامه برابر با ۰/۷۴ به دست آمد.

پرسشنامه ترومای دوران کودکی^۲ (CTQ): این مقیاس دارای ۲۸ پرسش بوده که توسط برنشتاین^۳ و همکاران در سال ۲۰۰۳ تهیه و تدوین شده است. سوالات با مقیاس لیکرت پنج درجه‌ای نمره‌دهی می‌شوند به طوری که به پاسخ هرگز، نمره ۱ و به پاسخ همیشه، نمره ۵ تعلق می‌گیرد. این پرسشنامه دارای پنج خرده مقیاس سوءاستفاده جسمی، سوءاستفاده هیجانی، غفلت جسمی، غفلت هیجانی و سوءاستفاده جنسی می‌باشد و سه گویه باقی مانده (۱۰، ۱۶، ۲۲)، برای افرادی است که مشکلات دوران کودکی را انکار می‌کنند. حداقل نمره برای هر زیرمقیاس، ۵ و حداکثر ۲۵ بوده و حداقل نمره کل ۲۵ و حداکثر نمره، ۱۲۵ می‌باشد. نمرات بالاتر به معنای ترومای شدیدتر در دوره کودکی می‌باشد. پایایی CTQ به دو روش آزمون-بازآزمون و آلفای

^۲ Childhood-Trauma Questionnaire

^۳ Bernstein

^۱ Collins & Read

کرونباخ در دامنه ۰/۷۹ تا ۰/۹۴ گزارش شده است (۲۶). قربانی نژاد و همکاران (۱۴۰۲)، پایایی این پرسشنامه را به روش آلفای کرونباخ، ۰/۸۷ و برای ابعاد سوءاستفاده جسمانی، سوءاستفاده هیجانی، غفلت جسمی، غفلت هیجانی و سوءاستفاده جنسی به ترتیب ۰/۸۱، ۰/۷۹، ۰/۸۳، ۰/۷۷ و ۰/۸۵ گزارش کرده که حاکی از ویژگی‌های مناسب این ابزار برای جمعیت‌های ایرانی است (۲۷). در مطالعه حاضر نیز آلفای کرونباخ برای ابعاد سوءاستفاده جسمانی، سوءاستفاده هیجانی، غفلت جسمی، غفلت هیجانی و سوءاستفاده جنسی به ترتیب ۰/۸۱، ۰/۸۰، ۰/۷۳، ۰/۷۹ و ۰/۸۸ بدست آمد.

پرسشنامه کمال‌گرایی: این پرسشنامه توسط هیل^۱ و همکاران (۲۰۰۴) ساخته شده و دارای ۵۹ سوال و هشت خرده مقیاس می‌باشد. خرده مقیاس‌های این پرسشنامه عبارتند از: تمرکز بر اشتباهات، نیاز به تأیید، نشخوار فکری، ادراک فشار از سوی والدین، نظم و سازماندهی، هدفمندی، استانداردهای بالا برای دیگران و تلاش برای عالی بودن. همچنین از دیدگاه هیل و همکاران، ابعاد یک تا چهار، جزء جنبه‌های منفی و ابعاد پنج تا هشت، جزء جنبه‌های مثبت کمال‌گرایی به شمار می‌روند. نمره دهی ابزار بر پایه لیکرت ۴ گزینه‌ای از کاملاً مخالف=۱ تا کاملاً موافق=۴ است و نمرات بالاتر معرف کمال‌گرایی بیشتر می‌باشد. هیل و همکاران (۲۰۰۴) گزارش دادند که همسانی درونی پرسشنامه بالا بوده و طیفی از ۰/۸۳ تا ۰/۹۱ برای همه خرده مقیاس‌ها را در بر می‌گیرد (۲۸). در ایران و در مطالعه عمادی و همکاران (۱۳۹۹) در مورد ویژگی‌های روانسنجی این پرسشنامه، ضریب پایایی همسانی درونی ۰/۹۰ بدست آمد (۲۹). در مطالعه حاضر نیز پایایی ابزار به روش آلفای کرونباخ، ۰/۸۸ گزارش شد.

پرسشنامه گرایش به طلاق: این مقیاس توسط قادرزاده و همکاران (۱۳۹۱)، طراحی گردیده و ابزاری ۱۵ گویه‌ای است که به منظور ارزیابی زوجین مستعد و متمایل به طلاق مورد استفاده قرار می‌گیرد. این مقیاس در برگیرنده ۳ بُعد شناختی، رفتاری و عاطفی است. هر گویه در این مقیاس به وسیله مقادیر ارزشی ۵ تایی نمره گذاری می‌شود (۱= کاملاً مخالف، ۲= تقریباً مخالف، ۳= تاحدودی، ۴= تقریباً موافق و ۵= کاملاً موافق). حداقل نمره آزمودنی، ۱۵ و حداکثر نمره، ۷۵ است که نمرات بالاتر به معنای گرایش شدیدتر به طلاق است. همسانی درونی سوالات با استفاده از آلفای کرونباخ توسط قادرزاده و همکاران، ۰/۸۹ و ضریب آلفای کرونباخ ابعاد شناختی، عاطفی، رفتاری و کل پرسشنامه به ترتیب ۰/۸۶۸، ۰/۸۳۹، ۰/۹۴۵، ۰/۸۸۷ برآورد شده است (۳۰). در این مطالعه پایایی کل ابزار به روش آلفای کرونباخ ۰/۸۶ بدست آمد.

جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها در بخش توصیفی از آماره‌های فراوانی و درصد فراوانی، میانگین و انحراف معیار و در بخش استنباطی از تحلیل عاملی تاییدی با روش مدلسازی معادلات ساختاری^۲ (SEM) و روش همبستگی پیرسون با کمک نرم افزارهای SPSS-26 و SmartPLS-23 استفاده شد.

یافته‌ها

در جدول ۱، ویژگی‌های جمعیت شناختی شرکت کنندگان در مطالعه گزارش شده است. بیشتر شرکت کنندگان در مطالعه (۵/۵۷٪) و اغلب کسانی که درخواست طلاق داده بودند، زن بودند (۵/۷۸٪). تحصیلات دیپلم و پایین‌تر داشتند (۵۸٪) و دارای فرزند (۶۲/۲٪) بودند.

² Structural Equation Modeling

¹ Hill

جدول ۱. ویژگی‌های جمعیت شناختی شرکت کنندگان در مطالعه

ویژگی	طبقه	تعداد	درصد
جنسیت	زن	۲۳۰	۵۷/۵
	مرد	۱۷۰	۴۲/۵
درخواست دهنده طلاق	زن	۳۱۴	۷۸/۵
	مرد	۵۶	۲۱/۵
میزان تحصیلات	زیر دیپلم	۱۱۱	۲۷/۸
	دیپلم	۱۲۱	۳۰/۳
	کاردانی	۳۱	۷/۸
	کارشناسی	۹۲	۲۳
	کارشناسی ارشد و بالاتر	۴۵	۱۱/۳
محل سکونت	شهر	۳۶۲	۹۰/۵
	روستا	۳۸	۹/۵
مدت ازدواج	کمتر از ۱ سال	۴۴	۱۱
	۱ تا ۳ سال	۶۵	۱۶/۳
	۴ تا ۷ سال	۱۱۲	۲۸
	۸ تا ۱۱ سال	۵۸	۱۴/۵
	۱۲ سال به بالا	۱۲۱	۳۰/۲
تعداد فرزند	ندارم	۱۵۱	۳۷/۸
	۱ فرزند	۱۴۸	۳۷
	۲ فرزند	۸۲	۲۰/۵
	۳ فرزند	۱۴	۳/۵
	۴ فرزند و بیشتر	۵	۱/۳
شغل	آزاد	۱۷۵	۴۳/۸
	خانه دار	۹۸	۲۴/۵
	دولتی	۸۲	۲/۵
	بیکار	۳۹	۹/۸
	دانشجو	۶	۱/۵

با توجه به نتایج جدول ۲، کفایت نمونه‌گیری شاخ^۱ (KMO) بیشتر از ۰/۶ بود، بنابراین پیش شرط کفایت نمونه مشخص گردید. همچنین بر اساس سطح معنی‌داری شاخص بارتلت ($p < ۰/۰۵$)، کفایت نمونه‌گیری تایید شد.

جدول ۲. آزمون کفایت نمونه‌گیری

کفایت نمونه‌گیری		۰/۷۵۷
ضریب بارتلت	کای دو	۱۶۷۳/۵۱۰
	درجه آزادی	۲۱۰
	سطح معناداری	۰/۰۰۱

در خصوص ارتباط بین متغیرهای پژوهش، نتایج آزمون همبستگی پیرسون نشان داد که تمام سبک‌های دلبستگی با گرایش به طلاق همبستگی داشتند و بیشترین همبستگی بین سبک دلبستگی دوسوگرا با گرایش به طلاق بود (۰/۶۸۶). همچنین، همبستگی میان سبک دلبستگی ایمن با گرایش به طلاق منفی بود (۰/۵۷۹-) که به معنای کاهش گرایش به طلاق در افراد دارای سبک دلبستگی ایمن است. بر اساس یافته‌ها، میزان همبستگی تروماهای کودکی و کمال‌گرایی با گرایش به طلاق، به ترتیب ۰/۴۵۱ و ۰/۴۰۲ بود که

^۱ Kaiser-Meyer-Olkin

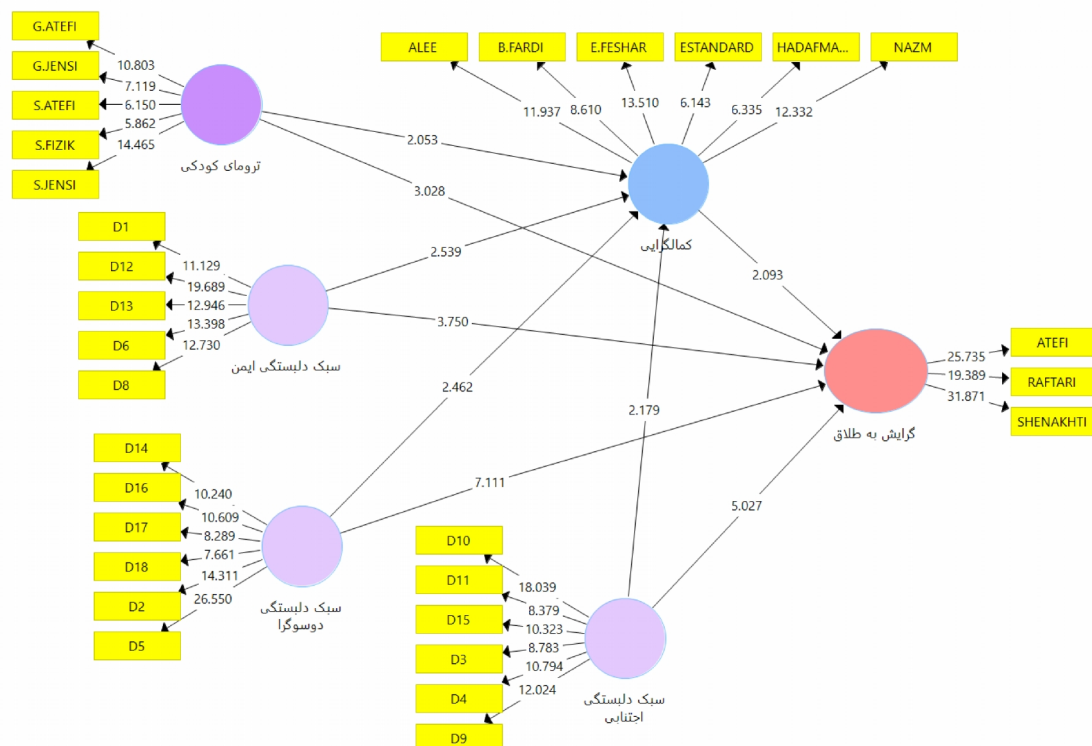
به معنای افزایش گرایش به طلاق در افراد دارای ترومای کودکی و کمال گرایی است (جدول ۳).

جدول ۳. ضرایب همبستگی پیرسون متغیرهای پژوهش

متغیر	ترومای کودکی	دلبستگی اجتنابی	دلبستگی ایمن	دلبستگی دوسوگرا	کمالگرایی	گرایش به طلاق
ترومای کودکی	۱/۰۰۰					
سبک دلبستگی اجتنابی	۰/۳۱۵	۱/۰۰۰				
سبک دلبستگی ایمن	۰/۳۹۳	۰/۳۴۵	۱/۰۰۰			
سبک دلبستگی دوسوگرا	۰/۳۸۷	۰/۴۴۰	۰/۵۶۷	۱/۰۰۰		
کمالگرایی	۰/۳۱۰	۰/۲۹۴	۰/۳۵۳	۰/۳۵۹	۱/۰۰۰	
گرایش به طلاق	۰/۴۵۱	۰/۵۲۸	۰/۵۷۹	۰/۶۸۶	۰/۴۰۲	۱/۰۰۰

مسیرهای مستقیم و غیرمستقیم (میانجی‌گری کمال گرایی) متغیرهای پژوهش به سمت گرایش به طلاق، معنادار می باشد.

در شکل ۱، مدل پژوهش با ضرایب استاندارد شده بار عاملی (ارزیابی مدل های اندازه گیری) نشان داده شده است. همانطور که مشاهده می شود کلیه



شکل ۱. مدل پژوهش با ضرایب استاندارد شده بار عاملی (ارزیابی مدل های اندازه گیری)

همچنین در کنار سبک‌های دلبستگی، ارتباط میان تروماهای کودکی و گرایش به طلاق نیز مستقیم و معنادار دیده شد ($\beta = 0.480$, $p \leq 0.001$). نتایج گزارش شده در جدول ۴ نشان می‌دهد که همه مسیرهای مستقیم، معنادار بودند.

همانگونه که از جدول ۴ و نمودار ۱ استنباط می شود، رابطه میان گرایش به طلاق و سبک دلبستگی اجتنابی ($\beta = 0.395$, $p \leq 0.001$)، سبک دلبستگی ایمن ($\beta = 0.275$, $p \leq 0.001$) و سبک دلبستگی دوسوگرا ($\beta = 0.235$, $p \leq 0.001$)، مستقیم و معنادار بود.

جدول ۴. نتایج اثرات مستقیم، کل و اندازه اثر مدل درونی پژوهش

فرضیه	ضریب مسیر (B)	مقدار تی (t-value)	سطح معناداری	نتیجه
سبک دلبستگی اجتنابی ← گرایش به طلاق	۰/۳۹۵	۷/۱۲۶	۰/۰۰۱	قبول فرضیه
سبک دلبستگی ایمن ← گرایش به طلاق	۰/۲۷۵	۵/۸۵۱	۰/۰۰۱	قبول فرضیه
سبک دلبستگی دوسوگرا ← گرایش به طلاق	۰/۲۳۵	۵/۰۸۰	۰/۰۰۱	قبول فرضیه
ترومای کودکی ← گرایش به طلاق	۰/۴۸۰	۱۱/۳۹۶	۰/۰۰۰	قبول فرضیه
کمالگرایی ← گرایش به طلاق	۰/۴۲۲	۱۰/۳۲۴	۰/۰۰۱	قبول فرضیه
سبک دلبستگی اجتنابی ← کمالگرایی	۰/۱۶۸	۳/۲۱۱	۰/۰۰۱	قبول فرضیه
سبک دلبستگی ایمن ← کمالگرایی	۰/۱۹۹	۳/۰۸۰	۰/۰۰۲	قبول فرضیه
سبک دلبستگی دوسوگرا ← کمالگرایی	۰/۲۰۲	۲/۹۵۲	۰/۰۰۳	قبول فرضیه
ترومای کودکی ← کمالگرایی	۰/۳۳۹	۵/۳۳۶	۰/۰۰۱	قبول فرضیه

در جدول ۵، نتایج آزمون سوبل^۱ گزارش شده است. همچنان که مشاهده می شود مقادیر Z مسیرهای سبک های دلبستگی اجتنابی، دلبستگی ایمن، دلبستگی دوسوگرا و ترومای کودکی با کمالگرایی و گرایش به طلاق به ترتیب ۳/۰۸۱، ۲/۹۳۶، ۲/۸۳۹ و ۴/۰۲۱ بود

که با توجه به اینکه مقدار عدد معناداری (p-value) از ۱/۹۶ بیشتر است، می توان نتیجه گرفت که این ضریب مسیر در سطح خطای ۰/۰۵ معنادار بوده و اثر کمال گرایی به عنوان متغیر میانجی تأیید می شود.

جدول ۵. نتایج آماره سوبل جهت بررسی نقش متغیر میانجی در مدل پژوهش

فرضیه	ضریب a	خطای استاندارد a	b	خطای استاندارد b	مقدار Z	نتیجه
سبک دلبستگی اجتنابی ← کمالگرایی ← گرایش به طلاق	۰/۱۵۵	۰/۰۴۸	۰/۴۱۱	۰/۰۴۰	۳/۰۸۱	قبول فرضیه
سبک دلبستگی ایمن ← کمالگرایی ← گرایش به طلاق	۰/۱۹۳	۰/۰۶۳	۰/۴۱۱	۰/۰۴۰	۲/۹۳۶	قبول فرضیه
سبک دلبستگی دوسوگرا ← کمالگرایی ← گرایش به طلاق	۰/۱۹۲	۰/۰۶۵	۰/۴۱۱	۰/۰۴۰	۲/۸۳۹	قبول فرضیه
ترومای کودکی ← کمالگرایی ← گرایش به طلاق	۰/۳۳۵	۰/۰۶۱	۰/۲۸۸	۰/۰۴۷	۴/۰۲۱	قبول فرضیه

بحث

این مطالعه با هدف تعیین الگوی معادلات ساختاری گرایش به طلاق زوجین براساس سبک های دلبستگی و ترومای دوران کودکی با میانجیگری کمال گرایی انجام شد. نتایج نشان داد که میان سبک های دلبستگی و گرایش به طلاق، ارتباط معناداری وجود داشت به طوری که سبک دلبستگی نایمن اجتنابی و دوسوگرا بر گرایش به طلاق، تاثیر مثبت و افزایشی داشت، در حالی که در زنان دارای سبک دلبستگی ایمن، گرایش به طلاق، کمتر بود. مک نیلیس^۲ و همکاران نیز نشان

دادند که افراد دارای سبک دلبستگی نایمن، نه تنها احتمال بیشتری برای اقدام به طلاق دارند، بلکه الگوی ارتباطی آنها با سایر افراد و دوستان نیز، ناکارآمد است (۳۱). همچنین نتایج مطالعه دیاموند^۳ و همکاران نشان داد که افراد دارای سبک دلبستگی نایمن، رضایت کمی از رابطه دارند و به احتمال زیاد در ازدواج ها و رابطه های بعد از ازدواج نیز با تنش و نارضایتی مواجه می شوند (۳۲). در مطالعه جاوید و همکاران نیز، افراد دارای سبک دلبستگی نایمن، گرایش بیشتری به طلاق داشتند و به دلیل دریافت حمایت اجتماعی پایین تر، مورد طرد اجتماعی قرار می

^۱ Sobel Test

^۲ McNelis

^۳ Diamond

گرفتند (۳۳). در تبیین این یافته می‌توان گفت افرادی که دلبستگی ایمن دارند دارای دو خصیصه مهم اعتماد به خود و دیگران هستند. رفتارهای مسئله محور و همچنین تاب‌آوری بالا از جمله ویژگی‌های شخصیتی افراد دارای سبک دلبستگی ایمن است که سبب می‌شود زوجین در برابر مشکلات و تضادهای خود، انعطاف‌پذیری بیشتری نشان داده و مشکلات زناشویی را با کمک هم کاهش دهند (۳۴). در حالی که افراد ناایمن اجتناب‌گر در صمیمی شدن با همسر خود چندان راحت نیستند. برای آنها مشکل است که به همسر خود اعتماد کامل داشته باشند یا به خود اجازه دهند که به دیگران وابسته باشند. وقتی همسرشان به آنها نزدیک می‌شود و خواهان صمیمیت و ارتباط عمیق عاطفی با آنها هستند، احساس تنش و اضطراب می‌کنند. سبک ارتباطی آنان با فاصله تجربه شده و نگران طرد شدن و بی‌ثبات بودن دیگران هستند (۳۵). آنها از اینکه دیگران در مواقع استرس در دسترس نباشند احساس اضطراب می‌کنند. در واقع بزرگسالان ناایمن مضطرب، دائم نگران از دست دادن توجه و محبت همسر خود بوده و چنانچه مشکل یا اختلافی میان آنها به وجود آید، احساس می‌کنند که رابطه آنها به کلی بهم ریخته است و همسرشان، فرد قابل اعتمادی که بتوان به او در زندگی اتکا کرد، نمی‌باشد. این مسئله هنگامی شدیدتر احساس می‌شود که اختلاف و ناراحتی در روابط عاطفی برای آنها به معنای عدم دوست داشته شدن توسط طرف مقابل است و آنان از اینکه دوست داشته نشوند، احساس بی‌ارزشی شدیدی می‌کنند. همچنین آنها در کنترل و ابراز احساسات با دشواری زیادی روبرو هستند که این مسئله می‌تواند مانع بزرگی در حل اختلافات زناشویی و عدم صمیمت در آنها باشد. در کل می‌توان گفت که سبک دلبستگی بر تمام جوانب زندگی از جمله روابط عاشقانه در بزرگسالی تاثیر می‌گذارد و افراد ناایمن به دلیل داشتن الگوی ناکارآمد در ارتباطات خود،

تمایل بیشتری به طلاق به جای حل اختلافات زناشویی دارند.

در مطالعه حاضر، ارتباط معناداری بین ترومای کودکی و گرایش به طلاق، دیده شد. این نتیجه با یافته‌های مطالعات جویس^۱ و تونبول^۲ و همکاران که نشان دادند زوجینی که در دوره کودکی، مورد غفلت و کم توجهی قرار می‌گیرند یا دچار ترومای کودکی می‌شوند، گرایش بیشتری به طلاق داشته و رضایت عاطفی کمتری را تجربه می‌کنند (۳۷،۳۶)، همسو است. در مطالعه کردی و همکاران (۱۴۰۱) نیز، یافته‌ها حاکی از آن بود که زنان متاهل با تجربه ترومای دوره کودکی، صمیمیت جنسی و عاطفی کمتری را تجربه کرده بودند (۳۸). در تبیین این یافته می‌توان گفت که تجارب آسیب‌زای کودکی می‌تواند به طور قابل توجهی بر رشد روانی و تنظیم هیجان افراد تاثیر منفی داشته باشد. این تجارب می‌تواند منجر به مشکلات عاطفی طولانی مدت از جمله اضطراب، افسردگی و کاهش بهداشت روانی شود. در این شرایط، مدیریت کارآمد عواطف برای فرد دشوار شده و اغلب باعث نوسانات خلقی و عاطفی می‌شود که این خود یکی از موانع بسیار مهم در ایجاد روابط پایدار و صمیمانه در فرد است (۳۹). در زمینه ازدواج، این مسئله می‌تواند منجر به تعارض، سوء تفاهم و ناتوانی در برقراری ارتباط رضایت بخش دوطرفه شود که از عوامل اصلی بی‌ثباتی و کشمکش زناشویی می‌باشد. از آنجا که افراد دارای ترومای کودکی نسبت به دیگران و انگیزه‌ها آنها بدبین هستند، ممکن که مشکلات زناشویی و اختلافات عادی زناشویی برای آنان به عنوان تهدیدی جدی و خطرآفرین تلقی شود (۴۰). از طرفی این افراد رضایت جنسی کمتری با همسران خود دارند که این مساله هم می‌تواند تنش و نارضایتی عاطفی را در آنها افزایش دهد. مجموعه این عوامل سبب می‌شود که آنها به جای اینکه زمینه

^۱ Joyce

^۲ Tönbul

مشکلات را شناسایی کنند و برای حل آنها وارد گفت‌وگوی صمیمانه شوند، به فرار از مشکلات، تمایل بیشتری نشان می‌دهند.

از نتایج دیگر مطالعه حاضر این بود که کمال‌گرایی هم به صورت مستقیم و هم غیرمستقیم، از طریق نقش میانجی میان سبک‌های دلبستگی و ترومای کودکی، موجب افزایش تمایل زوجین به جدایی می‌شد. این نتیجه با یافته‌های مطالعه یووانی^۱ و همکاران، که نشان دادند زوجینی که کمال‌گرایی بالا دارند، رضایت زناشویی کمتری را تجربه می‌کنند (۴۱)، همسو بود. مطالعه نادری و همکاران نیز، نشان داد که می‌توان بر اساس کمال‌گرایی و سبک دلبستگی، رضایت و تضاد در روابط زوجین را پیش‌بینی کرد (۴۲). همچنین نتایج مطالعه دوباس^۲ و همکاران، نشان داد که دانشجویانی که در دوره کودکی تروما را تجربه کرده بودند، میزان بیشتری از کمال‌گرایی را در بزرگسالی از خود نشان دادند. همچنین آنها در تنظیم هیجانات خود و دریافت حمایت اجتماعی با مشکل مواجه بودند (۴۳). در تبیین این نتایج می‌توان گفت که افراد با تجارب ناخوش‌آیند در دوران کودکی با مشکلات متعددی در تعاملات اجتماعی خود روبرو می‌شوند. این تروماها می‌تواند سبب شود که فرد در موقعیت‌های اجتماعی و عاطفی نتواند به خوبی، خود را ابراز کند و یا احساساتش را بروز دهد. همچنین از آنجا که این تجارب معمولاً در خانواده‌هایی رخ می‌دهد که والدین توجه و مراقبت کمتری به فرزندان دارند، بنابراین ممکن است که سبک‌های دلبستگی ناایمن در فرد شکل بگیرد. این سبک دلبستگی ناایمن به همراه تروماهای کودکی ممکن است فرد را نسبت به ارتباط با دیگران، مضطرب یا بدبین کند (۴۴). این نگاه زمانی که فرد درگیر روابط عاشقانه می‌شود، می‌تواند پایه‌های رابطه زناشویی را سست کرده و آنها را به سمت جدایی سوق دهد. اما در این میان این افراد ممکن

است که تمایل داشته باشند با تعیین استانداردهای سختگیرانه برای خود و دیگران به دنبال نوعی جبران و تسویه حساب با گذشته باشند. این کمال‌گرایی منفی سبب می‌شود که فرد از خود و طرف مقابل انتظارات غیرواقع‌بینانه داشته باشد و ملاک‌های او از رابطه عاطفی کاملاً غیرمنطقی و از شرایط واقعی به دور باشد. بنابراین وجود اختلافات زناشویی موجب دلسردی و سرخوردگی در آنها می‌شود. آنها چون انتظارات غیرواقعی از خود دارند ممکن است اینگونه برداشت کنند که وجود اختلافات و تعارض‌های زناشویی به دلیل انتخاب غلط آنها بوده و در نتیجه آنها به جای حل اختلافات زناشویی به جدایی و طلاق، تمایل بیشتری از خود نشان می‌دهند و این تمایل به طلاق و جدایی چنانچه تجارب ناخوش‌آیند کودکی و سبک دلبستگی ناایمن به همراه آن باشد، می‌تواند به صورت بسیار شدیدتری تجربه شود.

این مطالعه دارای یکسری محدودیت‌ها است که از جمله آنها می‌توان به عدم تفکیک نتایج براساس جنسیت اشاره کرد. ممکن است هر جنسی به طرز متفاوتی پاسخ دهد و این نتایج، تلفیقی از هر دو جنسیت است. همچنین از آنجا که این مطالعه از پرسشنامه‌های خودگزارش‌دهی استفاده کرده بنابراین زنانی که سواد بسیار پایینی داشتند و یا بی‌سواد بودند به مطالعه وارد نشدند. این مسئله به خصوص وقتی مهم است که زنانی که بی‌سواد هستند و یا سواد بسیار کمی دارند احتمالاً با مشکلات بیشتری مواجه هستند و غالباً در خانواده‌های با شرایط نامناسب برای ادامه تحصیل رشد کرده‌اند که سبک دلبستگی ناایمن و ترومای کودکی از جمله آن می‌باشد. یکی دیگر از محدودیت‌های این مطالعه آن بود که تمام آزمودنی‌ها از شهر کرمانشاه انتخاب شده بودند بنابراین تعمیم نتایج به سایر شهرهای کشور به ویژه با فرهنگ‌ها و مذاهب متفاوت، باید با احتیاط صورت گیرد. جهت رفع محدودیت‌های موجود پیشنهاد می‌شود که در مطالعات آتی هر جنسیت

¹ Yovani

² Dobos

به صورت جدا سنجیده شود تا تفاوت‌های هر گروه مشخص شود. همچنین بهتر است که از روش کیفی و از طریق مصاحبه، دلایل گرایش به طلاق در زنان بی سواد نیز مورد کنکاش قرار گیرد. بعلاوه، توصیه می‌شود مطالعات مشابه در سایر شهرهای کشور به ویژه با بافت فرهنگی و زبانی متفاوت انجام شود تا نقش تفاوت‌های فرهنگی احتمالی نیز مدنظر قرار گیرد.

نتیجه‌گیری

می‌توان گفت که عوامل زیادی در گرایش زوجین به طلاق نقش دارند. به نظر می‌رسد که نقش تجارب گذشته افراد در ارتباط با افراد نزدیک به زندگی در روابط فعلی پر رنگ باشد به طوری که نتایج نشان داد افراد دارای ترومای کودکی و سبک‌های دلبستگی ناایمن گرایش بیشتری به طلاق داشتند. در کنار این عوامل کمال‌گرایی در این افراد برای جبران یا فراموشی گذشته می‌تواند اختلافات و ناراضی‌های

زناشویی را تشدید کرده و تمایل زوجین به طلاق را فراهم کند. بنابراین به کلیه درمانگران به ویژه زوج‌درمانگران توصیه می‌شود که در مشاوره‌های طلاق به نقش تجارب گذشته در زوجین توجه ویژه داشته باشند و با نشان دادن نقش منفی کمال‌گرایی غیرمنطقی، زمینه نگاه عاقلانه و مسئله محور به اختلافات زناشویی را فراهم کنند.

تضاد منافع

نویسندگان تضاد منافی را گزارش ندادند.

تشکر و قدردانی

این مطالعه دارای تاییدیه کمیته اخلاق با کد IR.IAU.KSH.REC.1403.039 می‌باشد. نویسندگان بر خود لازم می‌دانند از کلیه کسانی که در این مطالعه آنها را یاری کردند به ویژه مشارکت‌کنندگان در این پژوهش، کمال تشکر و قدردانی را ابراز کنند.

References

- 1- Kalmijn M. Cohort changes in the association between parental divorce and children's education: a long-term perspective on the institutionalization hypothesis. *European Sociological Review*. 2024;40(1):55-71.
- 2- Daneshfar F, Keramat A. Sexual dysfunction and divorce in Iran: a systematic review. *Journal of Family Medicine and Primary Care*. 2023;12(3):430-39.
- 3- Zavareh SM. The effects of marriage and divorce on women's nationality in the Iranian law. *Khazanah Hukum*. 2023;5(1):33-44. [Persian]
- 4- Sadegh Mohammadi F, Spencer CM. Intimate partner violence and attachment styles as factors associated with coping stress styles among Iranian women. *Journal of Interpersonal Violence*. 2025;40(3):517-36.
- 5- Santoro G, Costanzo A, Franceschini C, Lenzo V, Musetti A, Schimmenti A. Insecure minds through the looking glass: the mediating role of mentalization in the relationships between adult attachment styles and problematic social media use. *International Journal of Environmental Research and Public Health*. 2024;21(3):255-69.
- 6- Grady MD, Yoder J. Attachment theory and sexual offending: making the connection. *Current Psychiatry Reports*. 2024;26(4):134-41.
- 7- Finzi-Dottan R, Abadi H. From emotional abuse to a fear of intimacy: a preliminary study of the mediating role of attachment styles and rejection sensitivity. *International Journal of Environmental Research and Public Health*. 2024;21(12):1679-90.
- 8- Ozeren GS. The correlation between emotion regulation and attachment styles in undergraduates. *Perspectives in Psychiatric Care*. 2022;58(2):482-90.

- 9- Ye Z, Wei X, Zhang J, Li H, Cao J. The impact of adverse childhood experiences on depression: the role of insecure attachment styles and emotion dysregulation strategies. *Current Psychology*. 2024;43(5):4016-26.
- 10- Tanner MA, Francis SE. Protective factors for adverse childhood experiences: the role of emotion regulation and attachment. *Journal of Child and Family Studies*. 2025;34(1):25-40.
- 11- Yilmaz H, Arslan C, Arslan E. The effect of traumatic experiences on attachment styles. *Anales de Psicologia/Annals of Psychology*. 2022;38(3):489-98.
- 12- McKay MT, Cannon M, Chambers D, Conroy RM, Coughlan H, Dodd P, et al. Childhood trauma and adult mental disorder: a systematic review and meta-analysis of longitudinal cohort studies. *Acta Psychiatrica Scandinavica*. 2021;143(3):189-205.
- 13- Akbari M, Rezaeian M, Gerstner R. Suicide in Iranian children: a systematic review of methods and risk factors associated with suicide in Iranian children. *Children's Health Care*. 2024;53(1):1-14.
- 14- Dye H. The impact and long-term effects of childhood trauma. *Journal of Human Behavior in the Social Environment*. 2018;28(3):381-92.
- 15- Bigras N, Vaillancourt-Morel MP, Nolin MC, Bergeron S. Associations between childhood sexual abuse and sexual well-being in adulthood: a systematic literature review. *Journal of Child Sexual Abuse*. 2021;30(3):332-52.
- 16- Dobos B, Piko BF, Mellor D. What makes university students perfectionists? the role of childhood trauma, emotional dysregulation, academic anxiety, and social support. *Scandinavian Journal of Psychology*. 2021;62(3):443-47.
- 17- Rnic K, Hewitt PL, Chen C, Flett GL, Jopling E, LeMoult J. Examining the link between multidimensional perfectionism and depression: a longitudinal study of the intervening effects of social disconnection. *Journal of Social and Clinical Psychology*. 2021;40(4):277-303.
- 18- Fearn M, Marino C, Spada MM, Kolubinski DC. Self-critical rumination and associated metacognitions as mediators of the relationship between perfectionism and self-esteem. *Journal of Rational-Emotive & Cognitive-Behavior Therapy*. 2022;40(1):155-74.
- 19- Doyle I, Catling JC. The influence of perfectionism, self-esteem and resilience on young people's mental health. *The Journal of Psychology*. 2022;156(3):224-40.
- 20- Mee FF, Hazan SA, Baba M, Talib MA, Zakaria NS. Relationship between perfectionism and marital satisfaction among graduate students. *International Journal of Education and Research*. 2015;3(8):179-86.
- 21- Patterson H, Firebaugh CM, Zolnikov TR, Wardlow R, Morgan SM, Gordon B. A systematic review on the psychological effects of perfectionism and accompanying treatment. *Psychology*. 2021;12(1):1-24.
- 22- Mostafa V, Falah Zade H, Amerehei Borcheloei S, Hamidi O. The mediating role of resilience in the relationship between dyadic perfectionism and emotional divorce in women. *Women's Studies Sociological and Psychological*. 2021;19(1):185-218. [Persian]
- 23- Delavar, A. Research methods in psychology and educational science. Virayesh Publisher; 2023. [Persian]
- 24- Collins NL, Read SJ. Adult attachment, working models, and relationship quality in dating couples. *Journal of Personality and Social Psychology*. 1990;58(4):644-63.
- 25- Amanali Khani T, Khabir L. The correlation between obsessive-compulsive disorder and couple's attachment styles: the mediating role of conflict resolution styles. *Sadra Medical Journal*. 2024;12(1):41-52. [Persian]
- 26- Bernstein DP, Stein JA, Newcomb MD, Walker E, Pogge D, Ahluvalia T, Stokes J, Handelsman L, Medrano M, Desmond D, Zule W. Development and validation of a brief screening version of the Childhood Trauma Questionnaire. *Child abuse & neglect*. 2003 Feb 1;27(2):169-90.
- 27- Ghorbaninejad F, Ershadi Manesh S. The structural model of childhood trauma with non-suicidal self-injury behavior in adolescents with borderline personality traits based on the mediating role of distress tolerance. *Journal of Psychological Science*. 2023;22(130):1949-70. [Persian]
- 28- Hill RW, Huelsman TJ, Furr RM, Kibler J, Vicente BB, Kennedy C. A new measure of perfectionism: the perfectionism inventory. *Journal of Personality Assessment*. 2004;82(1):80-91.

- 29- Emadi S, Mirhashemi M, Pashasharifi H. A structural model for prediction of couple burnout based on sensation seeking, perfectionism and emotion regulation strategies with the mediation of resiliency in married women. *Journal of Psychological Science*. 2020;19(92):1011-1122. [Persian]
- 30- Ghaderzade O, Ghaderzade H, Hassanpanah H. Predictor factors of couples' divorce at the border areas. *Family Counseling and Psychotherapy*. 2013;12(1):102-119. [Persian]
- 31- McNelis M, Segrin C. Insecure attachment predicts history of divorce, marriage, and current relationship status. *Journal of Divorce & Remarriage*. 2019;60(5):404-17.
- 32- Diamond RM, Brimhall AS, Elliott M. Attachment and relationship satisfaction among first married, remarried, and post-divorce relationships. *Journal of Family Therapy*. 2018;40(2):111-27.
- 33- Javid H, Mohandes L, Barzegar M, Sohrabi N. The causal model of post-divorce adjustment based on personality characteristics attachment styles, perceived social support with the mediating role of cognitive emotion regulation. *Psychological Models and Methods*. 2023;13(50):69-92. [Persian]
- 34- Beeney JE, Stepp SD, Hallquist MN, Ringwald WR, Wright AG, Lazarus SA, et al. Attachment styles, social behavior, and personality functioning in romantic relationships. *Personality Disorders: Theory, Research, and Treatment*. 2019;10(3):275-85.
- 35- Simpson JA, Rholes WS. Adult attachment, stress, and romantic relationships. *Current Opinion in Psychology*. 2017;13(1):19-24.
- 36- Joyce AN. High-conflict divorce: a form of child neglect. *Family Court Review*. 2016;54(4):642-56.
- 37- Tönbül Ö, Özdemir A. Childhood trauma and relationship satisfaction in married Turkish individuals: mediating the role of attachment injuries. *The Family Journal*. 2024;10664807241256667.
- 38- kurdi M, Aslani K, Amanelahi A. Sexual intimacy and trust as moderators of the relationship between secure attachment style and marital commitment. *Applied Psychology*. 2018;11(4):333-51. [Persian]
- 39- Chaturvedi S, Arya B. Mediating role of self-esteem and trust in the relationship between childhood trauma and romantic attachment in Indian adults. *Journal of Research and Health*. 2023;13(5):313-24.
- 40- Cao H, Ma R, Li X, Liang Y, Wu Q, Chi P, et al. Childhood emotional maltreatment and adulthood romantic relationship well-being: a multilevel, meta-analytic review. *Trauma, Violence, & Abuse*. 2022;23(3):778-94.
- 41- Yovani MC, Rumondor PC. Perfectionistic concerns, other-oriented perfectionism and marital satisfaction. *Jurnal Ecopsy*. 2021;8(2):119-28.
- 42- Nadiri M, Khalatbari J. Study of marital satisfaction in students based on psychological components of attachment style, perfectionism and conflict resolution. *Broad Research in Artificial Intelligence and Neuroscience*. 2018;9(3):120-27.
- 43- Dobos B, Piko BF, Mellor D. What makes university students perfectionists? the role of childhood trauma, emotional dysregulation, academic anxiety, and social support. *Scandinavian Journal of Psychology*. 2021;62(3):443-47.
- 44- Phillips N, Carpenter R, Mangan E, Burns L. Predictors of relationship satisfaction: what's perfection got to do with it. *Journal of Psychology*. 2022;10(1):39-56.